

مرور بر مفهوم و شاخص‌ها بر توسعه و پیشرفت بانکرش اسلامی^۱

مهدی نصیری^۲

چکیده

این پژوهش به دنبال تبیین مفهوم و شاخص‌های توسعه و پیشرفت از منظر اسلامی است. ابتدا معنای لغوی پیشرفت و توسعه، با مراجعه به منابع مختلف، مورد مذاقه قرار می‌گیرد؛ سپس معنای اصطلاحی آن جست‌وجو می‌شود. در بخش دوم مقاله، مفهوم توسعه و پیشرفت با نگرش اسلامی بیان می‌شود. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که اسلام چه معیارها و شاخص‌هایی را برای توسعه و پیشرفت بیان می‌دارد؟ به عبارت دیگر، اسلام چه معنا و تفسیری از توسعه و پیشرفت دارد؟ در یافته‌های پژوهش با مراجعه به منابع دینی ۱۲۰ کد اولیه به دست آمد و در سطح دوم، ۲۲ کد انتزاعی‌تر استخراج گردید. در نهایت، کدهای مستخرج در قالب شبکه مضامین به پنج کد به عنوان مضامین اصلی تبدیل گردید. طبق این نگاره، الگوی شاخص‌های توسعه و پیشرفت در اسلام مضمون فراگیری است که دربرگیرنده پنج مضمون سازمان‌دهنده و عمده (پیشرفت معنوی، ارتقای کیفیت زندگی، توسعه پایدار، ارزش‌های فرهنگی و رشد درون‌زا) است. این پژوهش با مراجعه به اسناد و منابع، از تکنیک کیفی تحلیل مضمون برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده کرده است.

واژه‌های کلیدی: مفهوم‌شناسی، توسعه و پیشرفت، بیش اسلامی، شاخص‌ها و معیارها، تحلیل مضمون.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۹

۲. عضو هیات علمی گروه جامعه‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ mahdinasiri@rihu.ac.ir



۱. مقدمه و بیان مسئله

توسعه و پیشرفت یکی از موضوعات مهم عرصه دانش است که فرایندی پیچیده و چندبعدی از تغییر و تحول در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و انسانی دارد. جهان هنوز فاقد چارچوب نظری و عملی باکفایتی برای تبیین این مفهوم است. تعدد مفاهیم توسعه و پیشرفت و بیان شاخص‌های مختلف این مفهوم از منظرهای گوناگون، بیانگر پیچیدگی آن است. جوامع مختلف مسیرهای متفاوتی را در این فرایند پیموده و الگوهای مختلفی در تجربه تاریخی خود ارائه داده‌اند که منطبق و هماهنگ با ویژگی‌های خاص آن جامعه بوده است؛ اما در مجموع، حاصل این تحولات، پدیده‌ای بوده است که اکنون به عنوان «توسعه» یا «جوامع توسعه‌یافته» شناخته می‌شود. الگوهای اولیه توسعه، اهداف صرفاً اقتصادی برای رسیدن به رشد و تولید کالای بیشتر تلقی می‌شد؛ اما در دیدگاه نوین توسعه، انسان علاوه بر وسیله توسعه، هدف توسعه نیز هست. سرمایه‌های انسانی علاوه بر اینکه در روند توسعه، به مثابه ابزار و وسیله کار استفاده می‌شوند، بهره‌گیرنده نهایی روند توسعه نیز هستند. به عبارت دقیق‌تر، مردم ثروت واقعی جوامع اند و هدف بنیادین توسعه نیز باید ایجاد وضعیتی باشد که امکان زندگی طولانی، همراه با سلامتی و خلاقیت و رفاه را برای آنها فراهم سازد. در اثر تحولات پس از جنگ جهانی دوم، اندیشمندان بر این عقیده بودند که باید واقعیات بیشتری را در نظر گرفت و رشد و توسعه را فراتر از رشد و توسعه اقتصادی صرف دانست. این گرایش، زمینه‌ساز توجه به سایر ابعاد توسعه، از قبیل توسعه اجتماعی، فرهنگی، انسانی و سیاسی شد. در «واقع توسعه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و تکنولوژیک، تجلیات و سویه‌های مختلف توسعه جامعه انسانی است. اصول یکسان توسعه، در خصوص همه حوزه‌های هستی اجتماعی قابل کاربرد است» (یاگونیر و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۱۲۵). در نگرش اسلامی نیز شاخص‌ها، الگوها و اهدافی برای توسعه و پیشرفت بیان شده است. شناخت مفاهیم، الگوها و اهداف توسعه و پیشرفت از منظر اسلامی، هدف این نوشتار است. برای ارائه چارچوب دقیق‌تر از مفهوم توسعه و پیشرفت از منظر اسلام، نیازمند شناخت دقیق این مفهوم هستیم. به نظر می‌رسد دستیابی به یک پارادایم اسلامی از پیشرفت و توسعه، نیازمند تعریف دقیق و بیان الگوها و شاخص‌های پیشرفت و توسعه است. از این‌رو این مفهوم را در دو سطح لغوی و اصطلاحی می‌کاویم؛ سپس الگوها و شاخص‌های توسعه و پیشرفت را از منظر دینی بررسی می‌کنیم.

۲. روش پژوهش

این مقاله با مراجعه به اسناد و منابع، روش تحلیل مضمون^۱ را روش مطالعه و تجزیه و تحلیل

1. Thematic analysis.



داده‌ها قرار داده است. تحلیل مضمون روشی برای شناسایی، تجزیه و تحلیل و گزارش الگوهای (مضامین) درون داده‌ها است. این روش، مجموعه داده‌ها را با جزئیات غنی به حداقل می‌رساند و توصیف می‌کند (Braun & Clarke, 2006, p.79). برای سهولت در توسعه کاربرد تحلیل مضمون از نرم‌افزار NVivo استفاده شده است. استفاده از این نرم‌افزار، امکان کدگذاری متن، تخصیص داده‌ها به مضامین، و مرتبط کردن یادداشت‌ها با کدها را با سرعت و دقت بیشتر و زمان کمتری برای محقق فراهم می‌کند.

۳. پیشینه مفاهیم نظری پیشرفت و توسعه

۳-۱. مفاهیم لغوی

در فرهنگ فارسی کیمیا، در معنای پیشرفت کردن، عبارات «Progress, advance, development» به کار رفته و در مقابل عبارت توسعه، واژه‌های «expansion, development» بیان شده است. در این کتاب عبارت developing countries به «کشورهای در حال توسعه» و «کشورهای در حال پیشرفت» ترجمه شده است (امامی، ۱۳۸۵، ص ۲۰۸).

در فرهنگ آریان‌پور برخی از معانی واژه Develop عبارت است از: ۱. رشد یافتن یا دادن، توسعه یافتن یا دادن، گسترش دادن یا یافتن؛ ۲. تحول پیدا کردن، متحول کردن؛ ۳. پیشرفت کردن. واژه Development نیز به پیشرفت، گسترش، توسعه، رشد، نمو، و پیدایش، معنا شده است. Progress نیز به پیشرفت، ترقی، بهبود، جلوتر رفتن، و بهتر شدن، معنا شده است (آریان‌پور، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۶۱۴). در فرهنگ حسابی اصطلاح Progress به پیشرفت معنا شده است (حسابی، بی‌تا، ص ۴۲۰). پیشرفت به معنای پیروزی، و توسعه به معنای فراخی و گشادی است (جلالی، ۱۳۵۴، ص ۸۶ و ۱۱۰).

واژه «پیشرفت» به دو معنا به کار رفته است: ۱. حرکت کردن به سوی جلو، جلو رفتن؛ ۲. مرحله‌ای از رشد کیفی و کمی را پشت سر گذاشتن؛ ترقی کردن. پیشرفته یعنی آن که یا آنچه پیشرفت کرده یا ارتقا یافته است. مترقی به کشورهای پیشرفته صنعتی اطلاق می‌شود. واژه «توسعه» نیز چند معنا دارد: به وسعت یا دامنه چیزی افزودن؛ گسترش دادن یا یافتن، وسعت دادن یا یافتن، رواج یا شیوع یافتن، ترقی و پیشرفت، به‌ویژه در زمینه علوم و اقتصاد و زمینه‌های مدنی دیگر (انواری و دیگران، ۱۳۸۳).

«توسعه‌یافته» ویژگی اقتصادی و اجتماعی کشور یا ناحیه‌ای است که از جهت فناوری، تولید و توزیع درآمدها در مقایسه با معیارهای معاصر، وضع مناسبی دارد (همان). در فرهنگ عمید پیشرفت به معنای پیش رفتن، پیشروی، جلو رفتن، پیروزی، و ترقی است و توسعه



به معنای فراخی و گشادگی است. «وُسع» واژه‌ای عربی به معنای فراخی، گشایش، طاقت، توانایی، توانگری است و «وسعت» نیز از همین واژه به معنای گشادگی، فراخی، پهنه است (عمید، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۵۰۹).

در فرهنگ معین پیشرفت به معنای پیش رفتن، جلوتر رفتن، ترقی، و ارتقا است. پیشرفته به معنای مسبوق، مقدم، و ترقی آمده است (معین، ۱۳۸۱، ص ۳۹۴).

در فرهنگ داعی الاسلام (که نخستین چاپ آن در سال ۱۳۰۵ هجری شمسی در هند بوده است) آمده: «پیشرفت» به معنای ترقی و بالا رفتن است؛ به عنوان مثال، فلان (شخص) امسال در تجارت پیشرفت نکرده است. «توسعه» نیز به معنای وسعت و فراخی است، این لفظ در کتب لغت معتبره عربی ضبط نشده گویا استعمال مخصوص ایرانیان است (داعی الاسلام، ۱۳۶۲، ص ۳۳۳).

پیشرفت، اسم فارسی (نفیسی، ۱۳۵۵، ج ۱، ص ۷۶۰)، و توسعه، اسم فارسی به معنای مأخوذ از تازی-فراخی و وسعت است (همان، ج ۲، ص ۱۰۰۱).

دهخدا واژه پیشرفت را به ریشه «پیش رفتن» ارجاع داده و در معنای آن این‌طور گفته: پیش رفتن، جلو رفتن، مقابل پس رفتن، حرکت کردن به سوی مقابل، پیشرفته به معنای مسبوق، به جانب پیش روان شده، ترقی کرده، از حد طبیعی درگذشته و به مجاور درآمده، غلبه داشتن به معنای تفوق و برتری داشتن، چیره بودن (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۵۹۷۹). همچنین توسعه به معنای فراخی و فراخ کردن و وسعت است. سایر واژه‌های مترادف توسعه عبارت‌اند از: وسع به معنای توانگری، فراخی، استطاعت و توانگری. توانایی، وسعت به معنای وسعه، فراخی، گشایش و گنجایش و پهنایی و ظرفیت (همان، ج ۵، ص ۷۱۳۰).

قدمت واژه پیشرفت نسبت به واژه توسعه بیشتر است. واژه پیشرفت در عبارات شعری مانند فردوسی و سعدی آمده است و در تاریخ بیهقی نیز یافت می‌شود. هرچند ریشه واژه توسعه که از وسع آمده نیز در عبارات شعری مانند سعدی و عطار نیز یافت می‌شود (همان، ج ۱۵، ص ۲۳۱۸۴). واژه توسعه دارای ریشه عربی از واژه وسع، و واسع به معنای وسیع و فراخ است (غفرانی و آیت‌الله‌زاده شیرازی، ۱۳۸۵، ص ۱۶۳ و ۶۰۸).

راغب اصفهانی ضمن بیان برخی معانی فوق برای وسع با استناد به آیات قرآن، آن را به گسترش در مکان، حال یا فعل معنا کرده و در حالات نفسانی به آرامش، و در کار و فعالیت به گشایش و توانایی بر کار معنا کرده است. معادل دیگر آن در عربی، واژه «تتمیه» به معنای عمران، رشد و گسترش تدریجی است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶، ج ۱۵، ص ۱۳۱).

با توجه به این مقدمات، به نظر می‌رسد مضمون لغوی دو واژه پیشرفت و توسعه، با یکدیگر متفاوت نباشد.



۳-۲. مفاهیم اصطلاحی توسعه و پیشرفت

مفهوم «توسعه»^۱ محصول تفکر پس از جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵-۱۹۳۹) در علوم اجتماعی و مطالعات سیاسی بین‌المللی است (Darity Jr., 2008, V.2, p.337) «توسعه» مسئله اول پیش روی جهان امروز است. مشکلات توسعه به دو شکل وجود دارد: الف) فقر ناشی از توسعه ناکافی؛ ب) فقر، بی‌عدالتی، تخریب محیط زیست و آسیب‌های اجتماعی که ناشی از توسعه ضعیف است (Hooks, 2016, p.1).

این واژه ابتدا برای اشاره به رشد طبیعی گیاهان و حیوانات به کار می‌رفت. در تمدن غرب اولین تلاش‌ها برای درک سازگار «رشد اقتصادی»^۲ به اواخر دوره رنسانس برمی‌گردد. البته ما اولین تفسیر جامع شناخته‌شده از دلایل اساسی رشد اقتصادی را مدیون تمدن عرب هستیم. ابن‌خلدون در کتاب *مقدمه‌ای بر تاریخ*، به طرز ماهرانه‌ای آن را ارائه داد. هدف ابن‌خلدون فراتر از توضیح رشد اقتصادی بود. وی علل ظهور و انحطاط تمدن‌ها را بیان می‌کند. مورخ بریتانیایی، آرنولد توینبی،^۳ درباره اثر بزرگ ابن‌خلدون اظهار داشت که وی در مقدمه‌ای بر تاریخ جهانی خود فلسفه‌ای از تاریخ را تصور و فرموله کرده است که بدون شک در آن زمان و مکان بزرگ‌ترین اثر در نوع خود است (Darity Jr., 2008, V.2, p.485) انتقال این استعاره زیست‌شناختی به حوزه اجتماعی بعد از انقلاب صنعتی اتفاق افتاد. در این دوره «توسعه به معنای گذر از ساده به پیچیده، از پست به عالی، از بدتر به بهتر» و «مترادف تغییرات اجتماعی و اقتصادی کم و بیش برنامه‌ریزی‌شده» به کار رفت (عنبری، ۱۳۹۷، ص ۱۱).

توسعه برای توصیف و تبیین تحولات اقتصادی و اجتماعی در سراسر آفریقا، آسیا، آمریکای لاتین و جنوب شرقی اروپا به کار برده شد. رئیس‌جمهور هری ترومن^۴ دوره توسعه را در سال ۱۹۴۹ آغاز کرد؛ هنگامی که وی ایالات متحده را متعهد کرد که پیشرفت‌های علمی و صنعتی را برای مناطق توسعه‌نیافته فراهم کند. چهار چشم‌انداز مهم نظری و سیاسی در مورد توسعه پیشنهاد شده است: مدرنیته (تقریباً دهه ۱۹۴۰-۱۹۵۰)، وابستگی (۱۹۷۰-۱۹۶۰)، سیستم‌های جهانی (۱۹۸۰-۲۰۰۰) و اصلاحات بازار^۵ (۱۹۸۰-۲۰۰۰). دیدگاه‌های سازمانی،^۶ فمینیستی^۷ و توانایی^۸ نیز بر گفتمان توسعه افزوده شد.

-
1. Development
 2. Economic Growth
 3. Arnold Toynbee
 4. Harry Truman
 5. Market reform
 6. Institutional
 7. Feminist
 8. Capability

توسعه در زمینه‌های مختلف، حاکی از رشد اقتصادی، نابرابری درآمدی یا تضاد طبقاتی در داخل و بین ملت‌ها و مناطق جهان و تغییرات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و همچنین آزادی‌های فردی است (Darity Jr., 2008, V.2, p.346).

به طور کلی سه تحول تاریخی در معنای توسعه مشاهده می‌شود:

۱. فهم اقتصادی از توسعه که مصادف با رشد اقتصادی بود. صاحب‌نظران اقتصادی مانند آرتور لونس، روستو و پل باران مفهوم توسعه را در معنای رشد اقتصادی و بر حسب افزایش تولید کالاهای مادی و افزایش درآمد سرانه تعریف کردند. منظور از «رشد» در اقتصاد توسعه، افزایش کمی درآمد سرانه و فرایند رشد اقتصادی (بین ۵ تا ۷ درصد) است که نشان‌دهنده افزایش سریع و مداوم تولید است.

۲. هم‌زمان با انتقاد به رویکرد کمی به رشد اقتصادی، گروهی منظور از توسعه را ارتقای کیفیت زندگی انسان‌ها معنا کردند. در این دوره بر این نکته تأکید شد که «رشد تولید ناخالص ملی» به تنهایی نمی‌تواند در فقرزدایی عامل مؤثری باشد. این برداشت که از اوایل دهه ۱۹۷۰م آغاز شد، توسعه به موضوع ریشه‌کن کردن فقر، تأمین کار، از بین بردن بی‌سوادی و نابرابری پرداخت. عبارتهایی نظیر «کیفیت زندگی»، «توسعه اجتماعی»، «توسعه مشارکتی»، «توسعه انسان‌گرایانه»، «توسعه درون‌زا»، «توسعه پایدار» و «توسعه انسانی» وارد مباحث توسعه شد. این مفاهیم به توسعه و پیشرفت اجتماعی پیوند می‌خورد (عنبری، ۱۳۹۷، ص ۱۲-۱۶). در این مرحله، برخلاف رشد که یک پدیده صرفاً اقتصادی-تکنولوژیکی و دارای مفهوم کمی است، توسعه، امری پیچیده و چندبعدی است و به‌سادگی نمی‌توان آن را با چند شاخص کمی نظیر درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی، افزایش پس‌انداز ملی و سرمایه‌گذاری اندازه‌گیری کرد (نراقی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۸).

میسرا^۱، محقق و صاحب‌نظر هندی نیز تعریفی از توسعه مطرح کرده که در آن بر ابعاد فرهنگی تأکید شده است. توسعه، دستاورد انسان محسوب می‌شود و در محتوا و نمود دارای مختصات فرهنگی است. هدف از توسعه ایجاد زندگی پرثمری است که توسط فرهنگ تعریف می‌شود. به این ترتیب می‌توان گفت توسعه، دستیابی فزاینده انسان به ارزش‌های فرهنگی خود است. دادلی سیرز^۲ توسعه را به جریانی چندبعدی می‌داند که تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی-اجتماعی را به همراه دارد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳، ص ۲۴-۲۵). کوین^۳ و شنتون^۴ نیز معتقدند توسعه به مسائلی از

1. Misera
2. Dudley Sears
3. Cowen.
4. Shenton.

قبیل جمعیت (طبق نظر مالتوس^۱)، کاهش اشتغال شغل (از نظر لادیت‌ها^۲)، مسائل اجتماعی (به نظر مارکس و دیگران) و آشفتگی‌ها و آلودگی‌های شهری می‌پردازد (ندروین پیترز، ۱۳۹۷، ص ۲۹).

در برخی دیگر از تعاریف به ابعاد رفاهی و فقرزدایی توسعه توجه شده است؛ آن‌چنان که گونارمیردال^۳ می‌گوید توسعه یعنی فرایند دور شدن از «توسعه‌نیافتگی»، یعنی رهایی از چنگال فقر. راه رسیدن بدین مقصود و شاید آنچه عملاً موجب کامیابی در این راه شود، عبارت است از برنامه‌ریزی به منظور توسعه (نراقی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۸)؛ بروکفیلد^۴ نیز می‌گوید: فرایند عام در این زمینه این است که توسعه را بر حسب پیشرفت به سوی اهداف رفاهی نظیر کاهش فقر، بیکاری و کاهش نابرابری تعریف کنیم؛ یا اینکه توسعه در معنای جامع آن، مشتمل بر فرایند پیچیده‌ای است که رشد کمی و کیفی تولیدات و خدمات و تحول کیفیت زندگی و بافت اجتماعی جامعه و تعدیل درآمدها و تأمین رفاه همگانی و رشد علمی و فناوری درون‌زا در یک جامعه معین را در برمی‌گیرد (توسلی، ۱۳۷۳، ص ۲۶).

از نگاه برنشتاین^۵ اشتیاق برای غلبه بر سوء‌تغذیه، فقر و بیماری از اهداف توسعه به شمار می‌رود (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳، ص ۲۶). آمارتیا سن^۶ نیز توسعه را به معنای آزادی بشر دانسته که با معیارهایی چون رشد تولید ملی، افزایش درآمدهای شخصی، صنعتی شدن، پیشرفت فناوری و یا مدرنیزه شدن در تضاد است (سن، ۱۳۸۵، ص ۱۱۳).

پیترز معیار بهبود^۷ را وارد تعریف توسعه می‌کند و آن را «مداخله سازمان‌یافته در امور جمعی مطابق با یک استاندارد بهبود» تعریف می‌کند. اینکه چه چیزی بهبود را تشکیل می‌دهد و چه چیزی یک مداخله مناسب است، بر اساس طبقه، فرهنگ، زمینه تاریخی و روابط قدرت فرق می‌کند. نظریه توسعه مذاکره درباره این مسائل است (ندروین پیترز، ۱۳۹۷، ص ۲۶). همچنین دادلی سیرز^۸ مسئله توسعه را از دیدگاه «درونی» تجزیه و تحلیل کرده و مفاهیم فقر، اشتغال، برابری، و توسعه عادلانه درآمد را مورد توجه قرار داده است. به دنبال دگرگونی و تحول در مفاهیم توسعه، انسان علاوه بر «وسیله» توسعه، «هدف» توسعه نیز شناخته شد (نراقی، ۱۳۸۰، ص ۸۰).

۳. در آخرین تحول تاریخی از اواسط دهه ۱۹۸۰، توسعه، مورد انتقاد نظریه‌پردازان گرفت و

1. Malthus.
2. Luddies.
3. Gonar Mirdal.
4. Brogfild.
5. Bernestein.
6. Sen Amartya Kummar.
7. Improvement.
8. Seers.



مفاهیمی چون «پایان توسعه»، «عصر پساتوسعه» و «توهم توسعه» که به‌گونه‌ای متأثر از فرهنگ و سنت‌های جوامع توسعه‌نیافته است، شکل گرفت (عنبری، ۱۳۹۷، ص ۱۷).

۴. مقصود ما از توسعه و پیشرفت چیست؟

در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت که سه معنا برای توسعه متصور است:

۱. توسعه از درون^۱: به این معنا که امکانات و جهت تغییر، فقط نتیجه فرایندهای درون آن جامعه است. از این منظر، هر شیء-ا-عم از گیاه، حیوان یا جامعه-تمایل به تغییر شکل خود دارد؛
۲. توسعه به عنوان کنش متقابل^۲: از این منظر، توسعه هر چیزی ناشی از کنش متقابل یک شیء و محیط است. بنا بر این تعریف، جامعه در فرایند تأثیر متقابل از محیط و بر محیط عمل می‌کند.
۳. توسعه به عنوان تداخل^۳: این دیدگاه می‌گوید که نمی‌توان تمایزی بین یک شیء و محیط آن قائل شد. هر کنشی منجر به تغییر آن محیط می‌شود. این دیدگاه وقتی در جامعه به کار می‌رود، این سؤال را ایجاد می‌کند که مرزهای هر جامعه کجاست؟ به‌طور مثال چگونه می‌توان از نظر جامعه‌شناختی، بین جامعه مصر که غالباً مسلمان هستند و «محیط» آن که شامل بسیاری از دیگر کشورهای مسلمان است، و ایده‌ها و نگرانی‌های مردم که ممکن است بر اتفاقات مصر تأثیر داشته باشند، تفکیک کرد (Barnett, 2005, p.8).

بر این مبنا و بسته به موضوع مطالعه ما، هر یک از معانی توسعه می‌تواند برای تعدادی از مسائل به کار رود. به عنوان مثال، می‌توانیم موضوع رشد و توسعه خانواده را به هر یک از سه روش فوق بررسی کنیم. در جامعه‌شناسی توسعه، معمول است که توسعه را با یک یا هر سه سطح اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ارتباط دهیم. این رویکرد، جدولی در اختیار ما قرار می‌دهد که نشان می‌دهد هر یک از سه سطح مسئله، با سه روش، قابلیت تجزیه و تحلیل شدن دارند. با به‌کارگیری جدول ذیل درباره موضوع مطالعه و پیامدهای آن، نه احتمال به دست می‌آید (Ibid, p.9).

توسعه			
	توسعه از درون	کنش متقابل	تداخل
اجتماعی	۱	۲	۳
فرهنگی	۴	۵	۶
سیاسی	۷	۸	۹

1. From within
2. Interaction
3. Interpenetration



از سوی دیگر دوگونه رویکرد کلی به توسعه و پیشرفت، متصور است: یک رویکرد، توسعه و پیشرفت را از منظر تاریخی و بر اساس تجارب حاصل، به کمک مطالعات و معلومات کشورهای توسعه‌یافته یا در حال توسعه، تجزیه و تحلیل می‌کند. بحث در اینجا جامعه‌شناختی است؛ زیرا توضیح پدیده‌های اجتماعی در مورد پیشرفت و توسعه، و تجارب توسعه در کشورهای پیشرفته است. «جامعه‌شناسی تلاش دارد که به توصیف و تحلیل جامعه و درک و فهم وقایع اجتماعی پرداخته و مسائل ملموس و مشکلات روزمره جامعه را مورد بررسی قرار دهد» (نراقی، ۱۳۸۰، ص ۱).

رویکرد دیگر، این مهم را در پرتو تجارب حاصل از فعالیت‌های مربوط به تعیین خط‌مشی و مدیریت اقتصادی یا آرمان‌گرایی، بحث می‌کند. تجارب کشورهای صنعتی در امر عمران و صنعتی شدن، به لحاظ ویژگی‌ها و شرایط به خصوص آن کشورها، ساختار و بافت اجتماعی و فرهنگی، شرایط اقلیمی و دیگر مسائل، نمی‌توانست برای کشورهای نوپا راه‌گشا و الگو قرار گیرد. به منظور تعیین و ترسیم استراتژی‌های توسعه و پیشرفت، می‌بایست به مشخص نمودن مفاهیم، استنتاج اصول و ساخت الگوهای رشد پرداخته می‌شد و روابط تجربی تثبیت می‌گردید. برای انجام این مهم، مفاهیم توسعه می‌بایست بازنگری می‌شد. نظریه خط‌مشی توسعه مستلزم تعمق بیشتری بود و تفکر تازه‌ای را برمی‌انگیخت (مایر و سیرز، ۱۳۸۴، ص ۳۰). در این رویکرد نیز مباحث نظری و تئوریک توسعه و پیشرفت، بیان می‌شود.

بر اساس این مقدمات، چند نکته در خصوص مفهوم توسعه، شایسته توجه است:

۱. امروزه واژه توسعه به معنای خارج شدن از مرحله سنتی و متجدد شدن نیست، بلکه به معنای بهبود وضع معیشت و فرهنگ و امور اجتماعی مردم و جوامع است و این معنا مصادف با کنار گذاشتن دین و سنت و نادیده گرفتن امور معنوی نیست. در اصل، توسعه، حرکت به سوی وضع یا حالت بهتر مادی و معنوی، هماهنگ با نیازهای متنوع افراد و گروه‌های اجتماعی است. امروزه تعریف توسعه به معنای تغییرات یا استحاله اساسی در ساخت اجتماعی، گرایش‌ها و نهادها، که تعریفی یک‌جانبه و با ریشه‌های غرب‌گرایانه از توسعه بوده، دچار تحول شده و توسعه لزوماً تغییرات ساختی را به همراه ندارد. چه بسا که ساخت‌های اجتماعی سنتی و دینی در جوامع مذهبی و سنتی، تسهیل‌گر توسعه به معنای بهبود است؛

۲. نکته دیگری که در تعریف توسعه باید به آن توجه کرد، این است که سؤال «هدف از توسعه چیست؟» را از سؤال «توسعه چیست؟» تفکیک کنیم. تفکر توسعه، مسئله‌محور، این‌جهانی و زمینی است و تفکر اهداف توسعه‌ای، صرفاً تئوری‌محور و کتابخانه‌ای. توسعه در علوم اجتماعی کاربردی، جایگاه و منزلتی اشتقاقی دارد (ندروین پیترز، ۱۳۹۷، ص ۲۶). با این فرض، تعریف توسعه و



پیشرفت، تعریفی برخاسته از واقعیت‌های موجود در جوامع است. در این صورت، محل مناقشه در مباحث توسعه و پیشرفت، در شاخص‌ها، ویژگی‌ها، الگوها و اهداف توسعه و پیشرفت است. در مبانی دینی، اهداف و شاخص‌هایی برای پیشرفت جوامع و افراد آن حائز اهمیت شناخته شده‌اند که به آن خواهیم پرداخت؛

۳. یکی از مشکلات تعریف توسعه، ایده‌های کلی انتزاعی است که معنای کاملاً مشخصی ندارند. بسیاری از مفاهیم نظری مورد استفاده در مفهوم توسعه مانند اقتدار،^۱ بیگانگی^۲ و... تصاویری از واقعیت هستند، اما انتزاعاتی که قابلیت مشاهده و اندازه‌گیری مستقیم را ندارند. لازم است شاخص‌های تجربی را برای مفاهیم تعریف کنیم. فرایند تهیه یک شاخص و آزمایش اعتبار آن، معمولاً «عملیاتی‌سازی»^۳ نامیده می‌شود (Barnett, 2005, p.180). اندیشمندان توسعه ممکن است دارای موقعیت‌های ارزشی متفاوتی باشند و مفهوم توسعه را از مواضع ارزشی خود تعریف کنند؛ مشکل تعاریف وقتی نمایان می‌شود که انجام تحقیقات، تعریف مفاهیم، و روش اندازه‌گیری کمی یا کیفی، برای دیگران روشن نباشد.

۴. گفتمان پیشرفت که در جامعه اسلامی - ایرانی مورد توجه و مذاقه قرار گرفته است، پیشرفت را از منظر اهداف و شاخص‌های آن مطالعه می‌کند. از این منظر، تمدن نوین اسلامی با شاخص‌های پیشرفت اسلامی - ایرانی مطرح می‌شود که مبتنی بر مبانی دینی بوده و شاخص‌های آن را از منظر اسلامی تعریف می‌کند. به برخی از این شاخص‌ها اشاره می‌شود.

۵. توسعه و پیشرفت بر اساس بینش اسلامی

در بینش اسلامی، معنای توسعه و پیشرفت، بر اساس الگوها و معیارهای اسلامی بازنگری می‌شود و بر این اساس، شاخص‌هایی برای توسعه و پیشرفت، به عنوان اهداف و الگوهای توسعه، معرفی می‌شود. به عبارت دیگر، برای استخراج معنای توسعه از قرآن و روایات، باید به شاخص‌ها و الگوهای توسعه و پیشرفت مراجعه، و مفاهیم مرتبط با آن را استخراج کرد. به طور کلی در بیان چیستی توسعه در نگرش اسلامی، این سؤال مطرح می‌شود که اسلام چه معیارها و شاخص‌هایی را برای توسعه و پیشرفت تأیید می‌کند؟ و به طور کلی هدف توسعه از منظر اسلام چیست؟

یافته‌های پژوهش برای پاسخ به این سؤال در مقاله حاضر، از طریق اسناد و منابع گردآوری گردید، سپس کدگذاری، و با استفاده از روش تحلیل مضمون، شبکه‌ای از مضامین استخراج شد. استفاده از

-
1. Authority
 2. Alienation
 3. Operationalising



نرم‌افزار NVivo امکان کدگذاری را تسهیل کرد. در این پژوهش ۱۲۰ کد به دست آمد و با عنوان کدهای متمرکز سطح اول نام‌گذاری شد. در مرحله دوم، این کدها به ۲۲ کد انتزاعی‌تر استخراج، و به عنوان کدهای متمرکز سطح دوم نام‌گذاری گردید و در نهایت به پنج مضمون اصلی تبدیل شد که در مدل پایانی مقاله نمایش داده شده است. کدهای استخراج‌شده، شبکه‌ای از مضامین شاخص‌های توسعه و پیشرفت از منظر اسلامی را بیان می‌دارد.

به‌طور کلی هدف توسعه از منظر اسلام، تشکیل جامعه‌ای ارزشی بر مبنای علم، ادراک، قدرت، نعمت، عزت، امنیت و محبت است. توسعه از منظر اسلام علاوه بر ناظر بودن بر ابعاد معنوی، ابعاد مادی و زندگی انسانی را نیز شامل می‌شود؛ به‌گونه‌ای که همراه با رشد ارزش‌های اخلاقی و الهی و عدالت است.

برخی از اصولی که از قرآن استنباط می‌شود، به عنوان شاخص‌های اقتصادی و نظام اقتصادی اسلامی معرفی می‌شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲، ص ۴۶۲). با این توضیح، الگوها و شاخص‌های توسعه در نگرش اسلامی به شرح پنج مضمون اصلی همراه با کدهای مستخرج بیان می‌گردد:

۱. در مضمون پیشرفت معنوی کدهای مستخرج از منابع دینی عبارت‌اند از:

مضمون اصلی	کدهای متمرکز سطح دوم	کدهای متمرکز سطح اول
پیشرفت معنوی	معنویت و اخلاق	هدف از پیشرفت انسان، زندگی سعادتمند در دنیا و فوز در آخرت
		دو بعدی بودن انسان معنوی و مادی
		هدف از پیشرفت، تخلق به اخلاق الهی
		توجه به جنبه‌های اجتماعی و معنوی بشر در توسعه
		توسعه مادی و معنوی در قالب تمدن نوین اسلامی
		توسعه مادی و معنوی
		ارتباط پیشرفت اخلاقی با پیشرفت مادی یا علمی
		جامعه سالم با تقوا و اعمال صالح
		پیشرفت اخلاقی
	رسیدن به کمال	پیشرفت در پرتو دوری از منکر و بدی
		پیشرفت، رسیدن به کمال ایمان به خداوند
		هدف از پیشرفت، رسیدن به خلیفه‌اللهی
		تکامل معنوی، هدف غایی در اسلام
		رشد و تعالی انسان در پیشرفت
		پیشرفت به معنای رشد و تعالی به سوی عبودیت
		هدف از پیشرفت انسان، زندگی سعادتمند در دنیا و فوز در آخرت
		پیشرفت به معنای ایمان به خداوند
		پیشرفت به معنای رسیدن به کمال



مضمون اصلی	کدهای متمرکز سطح دوم	کدهای متمرکز سطح اول
	تربیت انسان	فراهم کردن زمینه شکوفایی استعدادهای گوناگون
		تشکیل جامعه سالم در خصوصیات رفتاری افراد متقی و باتقوا
		انسان، محور توسعه
		نماز، زکات، امر به معروف و نهی از منکر، شرایط تربیت انسان
		تربیت انسان در توسعه
	گسترش عدالت	دوری از منکر و بدی در جامعه سالم
		امر به معروف، از اهداف تشکیل حکومت اسلامی
		هدف از پیشرفت، گسترش عدالت و معنویت
		توسعه فرایند حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب
		هدف از پیشرفت، ساختن جامعه آرمانی
		توسعه کامل در جامعه اسلامی با در نظر گرفتن اهداف و آرمان‌های اسلامی

مفهوم پیشرفت در دو معنای دینی و مادی، به کار برده می‌شود. شاخص‌هایی مانند گسترش عدالت، تربیت معنوی انسان، و رسیدن به کمال و معنویت و اخلاق، در پیشرفت معنوی دارای اهمیت است. پیشرفت اخلاقی با پیشرفت مادی یا علمی، ارتباط دارد و به هم پیوسته است (اکبری و افخمی، بی‌تا، ص ۶). بر اساس آموزه‌های قرآن، هدف نهایی از پیشرفت انسان که دارای دو بعد جسمی و روحی (مادی و معنوی) است، زندگی سعادت‌مند در دنیا و فوز و فلاح در آخرت است. انسان موجودی تک‌بعدی نیست و پیشرفت در یک بعد و پس‌رفت در بعد دیگر، پیشرفت نخواهد بود. توجه به ابعاد معنوی و مادی توسعه و پیشرفت، به گونه‌ای است که عده‌ای تفاوت این دو واژه را بیش از هر چیز در این ابعاد (شاخص‌های) آنها بیان می‌کنند. از این جهت، الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی علاوه بر رشد کمی، به رشد کیفی و رشد جهت‌گیری جامعه به طرف تعالی نیز توجه می‌کند و به دنبال حرکت همراه با شتاب جامعه به سوی عبودیت و تعالی است. تکامل معنوی انسان از منظر اسلام و قرآن، هدف غایی آفرینش انسان و بعثت انبیا شمرده شده است. مادیات در این دیدگاه صرفاً ابزاری برای نیل به این هدف غایی هستند. با این پیش‌فرض، توسعه، فرایندی است که با بهینه‌سازی در استفاده متوازن از منابع مادی و انسانی، زمینه شکوفایی استعدادهای گوناگون همه انسان‌ها را جهت رسیدن به کمال مطلوب خویش (قرب الهی) فراهم می‌سازد. توسعه همه‌جانبه مادی و معنوی، در قالب تمدن نوین اسلامی جلوه می‌کند. پیشرفت در بعد معنوی، همان رسیدن انسان به کمال ایمان به خداوند است که در پرتو آن، از منکر و بدی دوری می‌کند و افرادی باتقوا با خصوصیات رفتاری مثبت و اعمال صالح، یک جامعه سالم را می‌سازند^۱ (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶، ج ۱۵، ص ۱۳-۷۰).

۱. «الَّذِينَ إِذْ مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج: ۴۱).



تربیت انسان به‌گونه‌ای که استعداد و قابلیت‌های او شکوفا شود و انسان، هدف و محور توسعه قرار گیرد، نکته مهم در فرایند توسعه شمرده می‌شود. از آنجاکه اسلام، توسعه را به جنبه‌های اجتماعی و معنوی بشر گسترش می‌دهد، امکان دستیابی به توسعه‌ای کامل و فراگیر فقط در جامعه اسلامی، با در نظر گرفتن اهداف و آرمان‌های اسلام، تصورپذیر است (خلیلیان، ۱۳۸۴، ص ۴۶).

۲. در مضمون ارتقای کیفیت زندگی، کدهای مستخرج از منابع دینی در جدول ذیل عبارت‌اند از:

از اهداف و شاخص‌های دیگر توسعه در اسلام، ارتقای کیفیت زندگی مادی و گشایش و بهبود وضع معیشت عنوان شده است.^۱ اسلام به رفاه و گشایش در زندگی توجه داده، فقر و محرومیت را نامطلوب شمرده و خواسته است انسان‌ها در آسایش، امنیت و راحتی زندگی کنند (اخترشهر، ۱۳۸۶، ص ۲۳).

از سوی دیگر، قرآن کریم با تشریح احکام اموال عمومی مثل خمس (انفال: ۴۱)، زکات (توبه: ۶۰)، فیه (غنائمی که بی‌دردسر به دست مسلمانان می‌افتد) (حشر: ۷)، انفال (انفال: ۱)، عطا (بقره: ۸۳)، انفاق (بقره: ۲۱۵؛ ذاریات: ۱۹؛ معارج: ۲۴)، احسان (نساء: ۳۶) و صدقات (بقره: ۱۷۷) سعی در رفع فقر و محرومیت، ایجاد تعادل بین اقشار جامعه، و نفی نظام مالی افسارگسیخته کرده است. در این معنا، توسعه یعنی آزادی از فقر و بی‌عدالتی، و بسترساز تحقق قابلیت‌های فطری انسانی است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶، ج ۱۵، ص ۱۱-۳۵).

در اسلام فقر در اصل، نامطلوب، و ثروتمندی، در اصل، مطلوب شمرده شده است؛^۲ به این معنا که ثروت اگر از راه مشروع کسب گردد و خوب استفاده شود، کمک به تقوا و وسیله دست یافتن به آخرت است؛ اما اگر چنین نباشد، مورد نکوهش است (سعادت، ۱۳۸۹، ص ۱۱۸).

امنیت غذایی و دستیابی به سطح شایسته تغذیه، از شاخص‌های دیگر ارتقای کیفیت زندگی است.

۱. من طلب [الرزق فی] الدنيا استعفاناً عن الناس و توسیعاً علی اهل و تعطفاً علی جاره لقی الله عزوجل یوم القیامه و وجهه مثل القمر لیلۃ البدر؛ «کسی که [روزی] دنیا را برای بی‌نیازی خود از مردم و گشایش بر خانواده‌اش و ابراز محبت به همسایه‌اش طلب کند، خداوند عزوجل را در روز قیامت ملاقات می‌کند درحالی‌که چهره او همچون ماه تمام است» (کلینی، فروع کافی، ج ۵، ص ۷۸).

نیز در روایت دیگری، امام رضا علیه السلام این‌گونه توصیه فرموده است: ینبغی للرجل ان یوسع علی عیاله لئلا یتمنول موتہ؛ «برای مرد سزاوار است که بر خانواده‌اش توسعه (گشایش) بدهد تا آرزوی مرگ او را نکنند» (العاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۴۹).
 ۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: نعم العون علی التقوالله الغنی؛ «ثروتمندی کمک خوبی به تقوی الهی است» (همان، ج ۱۷، ص ۲۹)؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: کاد الفقر ان یكون کفراً (همان، ج ۱۵، ص ۳۶۶)؛ امام علی علیه السلام: الفقر الموت الاکبر (نهج البلاغه، حکمت ۱۵۴).



مضمون اصلی	کدهای متمرکز سطح دوم	کدهای متمرکز سطح اول
ارتقای کیفیت زندگی مادی	سطح شایسته زندگی	استفاده از نعمات خداوند
		استفاده از نعمات خداوند در برابر عمل صالح
		استفاده از نعمات خداوند در برابر عمل تقوا
		استفاده از نعمات خداوند در برابر شکر
		آسایش، امنیت و راحتی در زندگی
		استفاده از نعمت‌های دنیوی
		استفاده از آنچه حلال و پاکیزه است
	کاهش نابرابری	جامعه به مثابه پیکر واحد
		توزیع متوازن دارایی‌ها نشانه عصر مهدویت
		نابرابری‌های اقتصادی نشانه بی‌عدالتی
		خلق انسانها از یک تن و یک جفت
		برابری انسان‌ها در خلقت
		برابری انسان‌ها
		تقوا ملاک برتری انسان‌ها
		خمس، زکات، فیه، زمین‌های کاهش نابرابری
		ایجاد تعادل بین اقشار جامعه
	نیازهای معیشتی	دستیابی به وسایل رفاه‌بخش زندگی
		سطح زندگی برآورده شدن نیازهای انسانی
	غلبه بر فقر	فقر به مثابه کفر
		فقر برابر با مرگ بزرگ
		ثروتمندی کمک به تقوای الهی
		تقاضای ثروت و عاقبت در دنیا از خداوند
		توسعه به معنای آزادی از فقر و بی‌عدالتی
		دعای پیامبر برای برکت نان
		توقف حیات معنوی بر حیات مادی
		سعی در رفع فقر و محرومیت
		مطلوب بودن ثروت در اسلام
		نامطلوب بودن فقر در اسلام
		نامطلوب شمردن فقر و محرومیت در اسلام
	گشایش مادی	توجه اسلام به رفاه و گشایش در زندگی
	بهبود معیشت	حیات طیبیه در امور مادی و معنوی پیشرفت
		هدف از پیشرفت زندگی شایسته معاشی با حیات طیبیه
	امنیت غذایی	انفال، عطا، انفاق، معارج، احسان؛ زمینه کاهش نابرابری
		انجام ندادن تکالیف دینی با نبود غذا
		اهمیت غذا



شاید نزدیک‌ترین و جامع‌ترین واژه قرآنی نسبت به پیشرفت، کلمه «حیات طیبه» باشد که مربوط به امور دنیوی است.^۱ در نگرش دینی، برای پیشرفت، در کنار توانمندی‌های اقتصادی و فراوانی سرمایه‌ها در رشد کمی و کیفی تولیدات، معنویت و اخلاق نیز شرط لازم است. خداوند نیز به هر دو نوع نعمت اشاره فرموده است. از منظر قرآن، جامعه‌ای که از چنین نعمت‌های مادی و معنوی برخوردار باشد، به پیشرفتی دست می‌یابد که پدیدآورندگان آن شگفت‌زده شوند و دشمنان سلطه‌جو که آن را به‌زیان منافع خود می‌بینند، به خصم آورد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶، ج ۱۵، ص ۵۸). همچنین آموزه‌های اسلامی، حیات معنوی جامعه و فرد را متوقف بر حیات مادی بشر می‌داند.^۲ نیازهای معیشتی، ستون دین و دین‌داری است. دین اسلام معتقد به سطح شایسته و مناسب زندگی به معنای واقعی کلمه برای همه افراد جامعه است و در این خصوص به حفظ تعادل و میانه‌روی و پرهیز از افراط و تفریط و حرص به دنیاطلبی سفارش می‌کند. سطح زندگی مادی در آموزه‌های اسلامی، نه تنها با شاخص‌های توسعه انسانی HDI در تعارض نیست، از حد معیار رفاه در این شاخص، بسیار بیشتر هم معرفی می‌گردد (اکبری و افخمی، بی تا، ص ۶). به طور کلی انسان دینی، خواهان سطحی از زندگی است که همه نیازهای وی برآورده شود و در این زمینه می‌کوشد تا به وسایل رفاه‌بخش زندگی دست یابد.^۳ (اخترشهر، ۱۳۸۶، ص ۴۲).

از شاخص‌های توسعه انسانی، دسترسی به منابع مورد نیاز برای سطح شایسته یا استاندارد زندگی است. این معیار، نشان‌دهنده قدرت خرید و میزان دسترسی مردم به نیازهای مادی زندگی در حد مطلوب، از جمله خوراک، پوشاک و مسکن می‌باشد. در آیات متعدد، استفاده از نعمت‌های دنیوی به انسان گوشزد، و استفاده از نعمات خداوندی در برابر شکرگزاری و عمل صالح، به‌روشنی بیان شده است.^۴ این

۱. قرآن می‌فرماید: ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (نحل: ۹۷)؛ «هرکس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، درحالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم؛ و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد».

۲. النبی ﷺ: ...فلولا الخبز ما صلبنا و لا صمنا و لا ادینا فرائض ربنا عزوجل (حکیمی، الحیة، ج ۳، ص ۲۹۲)؛ «...اگر نان نبود، نه نماز می‌خواندیم و نه روزه می‌گرفتیم و نه واجبات پروردگار بزرگ خود را ادا می‌کردیم». النبی ﷺ: اللهم بارک لنا فی الخبز و لا تفرق بیننا و بینة (همان، ص ۲۹۱)؛ «خدایا به نان ما برکت بده و میان ما و آن جدایی می‌فکن». النبی ﷺ: استلوالله الغنی فی الدنیا و العافیة و فی الآخرة المغفرة و الجنة (العاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۳۳)؛ «از خداوند بخواهید در دنیا به شما ثروت و عافیت دهد و در آخرت بخشش و بهشت عنایت فرماید».

۳. امام علی ﷺ می‌فرماید: اللهم ... ارزقنی رزقا واسعا، حلالا، طیبا... نستعین به علی زماننا (الحیة، ۷۹/۵).

۴. ﴿خلق لکم ما فی الارض جمیعا﴾ (بقره: ۲۹). ﴿والارض وضعها للانام﴾ (الرحمن: ۱۰)؛ زمین را [با هزاران نعمت] برای مردم نهاد. «یا ایها الذین آمنوا، کلوا من طیبات ما رزقناکم و اشکروا لله» (بقره: ۱۷۲)؛ «ای مردم باایمان، از روزی‌های پاکیزه‌ای که به شما دادیم بخورید و شکر خدا کنید». «کلوا مما رزقکم الله حلالا طیباً و اتقواالله» (مانده: ۸۸)؛ «از روزی‌هایی که خدا به شما داده است، آنچه حلال و پاکیزه است، بخورید و از خداوند پروا داشته باشید (او را حاضر و ناظر بدانید)». «یا ایها الرسل، کلوا من الطیبات و اعملوا صالحاً...» (مؤمنون: ۵۱)؛ «ای فرشتگان [خدا]، از چیزهای پاکیزه بخورید و کارهای شایسته انجام دهید...».

بیان، نشان می‌دهد که دسترسی به منابع مورد نیاز در شأن انسانی، از شاخص‌هایی است که در دین اسلام به آن اشاره شده است. از شاخص‌های دیگر، رفع نابرابری‌های اقتصادی است. اسلام بر مساوات و برابری تأکید کرده^۱ و نابرابری‌های اقتصادی را نشانه بی‌عدالتی شمرده است.^۲ از نشانه‌های پیشرفت در عصر مهدوی^۳، توزیع متوازن دارایی‌هاست.^۳ پیامبر اکرم^۴ نیز با ورود به مدینه، بین مسلمانان، از مهاجر و انصار، عقد اخوت جاری کرد و برای مدتی آنان را شریک اموال یکدیگر قرار داد و حکم توارث را بین آنان رسمیت بخشید. پس از آن نیز در قالب «حق مؤمن بر مؤمن» جامعه دینی را بسان پیکری واحد دانست (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶، ج ۱۵، ص ۵۸).

۳. کدهای مربوط به مضمون ارزش‌های فرهنگی مستخرج از منابع دینی در جدول ذیل عبارت‌انداز:

ارزش‌های فرهنگی از دیگر مضامین توسعه و پیشرفت در اسلام است که از منابع دینی استخراج شده است. طول عمر، بینش عقلانی، کسب دانش، امید به زندگی و خرد جمعی و مشارکت عمومی در این معنا معرفی می‌گردد. شاخص طول عمر یا امید به زندگی یکی از سه معیار شاخص توسعه انسانی است. در اسلام آموزه‌های متعددی وجود دارد که ثمره عمل به آنها، عمر طولانی است؛ دستورالعمل‌هایی نظیر رعایت بهداشت و مراقبت از خوراک و همچنین آموزه‌هایی نظیر صدقه، صلّه رحم، نیکی به خانواده و والدین، و خدمت به خلق.^۴ به‌طور کلی عمر طولانی همراه با تندرستی، مطلوب و مورد تأیید دین اسلام است.^۵ طلب طول عمر همراه با عزت و تندرستی و در مسیر بندگی

۱. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً» (نساء: ۱)؛ «ای مردم، بترسید از پروردگار خود؛ آن خدایی که همه شما را از یک تن بیافرید و هم از آن، جنف او را خلق کرد و از آن دو تن، خلقی بسیار در اطراف عالم از مرد و زن پراکند». «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳)؛ «ای مردم، بی‌تردید، ما همه شما را از یک مرد و زن آفریدیم (هر فرد شما را از یک پدر و مادر خلق کردیم) و شما را قبیله‌های بزرگ و کوچک قرار دادیم تا همدیگر را بشناسید. مسلماً گرامی‌ترین شما در نزد خدا پرهیزکارترین شماست».

۲. «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ» (حشر: ۷)؛ «تا [این اموال عظیم] در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد».

۳. فَإِنَّهُ يَقْسَمُ بِالسُّوْبَةِ وَ يَعْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَانِ الْبَرِّ مِنْهُمْ وَالْفَاجِرِ (صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۶۱).

۴. النبی^۶: اکثر من الطهور یزد الله فی عمرک (محمّدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ج ۶، ص ۵۴۶)؛ «همیشه با وضو باش، تا خداوند عمرت را دراز گرداند». الامام الصادق^۷: من حسنت نیته زید فی عمره (همان)؛ «هر که خوش نیت باشد، عمرش زیاد شود». الامام الصادق^۸: تجذبوا البوائق یمدکم فی الاعمار (همان)؛ «از بدی‌ها دوری کنید تا عمرتان دراز شود».

۵. النبی^۹: طویب لمن طال عمره و حسن عمله فحسن منقلبہ اذا رضی عنه ربه، و ویل لمن طال عمره و ساء منقلبہ اذا سخط علیه ربه (همان، ص ۵۴۷)؛ «خوشا به حال کسی که عمرش دراز و کارش نیکو باشد. چنین کسی بازگشت‌گاهش نیکوست؛ زیرا پروردگارش از او خوشنود است. بدآ به حال کسی که عمرش دراز و کردارش بد باشد. چنین کسی بازگشت‌گاهی بد دارد؛ زیرا پروردگارش از او ناخشنود است». الامام السجّاد^{۱۰}: فی الدعاء: واجعلنی ممن اطلت عمره و حسنت عمله و اتممت علیه نعمتک و رضیت عنه... (همان)؛ «مرا چون کسی قرار ده که عمرش را دراز و کردارش را نیکو گردانیده‌ای و نعمتت را بر او تمام کرده‌ای و از وی خرسندی و زندگی خوش توأم با پایدارترین شادمانی و کامل‌ترین کرامت و معیشت عطایش فرموده‌ای».



خداوند، در دعاها و مناجات‌ها، نشان از این دارد که طول عمر، یکی از شاخص‌های مطلوب توسعه و پیشرفت در جامعه است.

مضمون اصلی	کدهای متمرکز سطح دوم	کدهای متمرکز سطح اول
ارزش‌های فرهنگی	خرد جمعی و مشارکت عمومی	وابستگی و نیازمندی انسان‌ها به یکدیگر
		وفاداری مردم شرط سامان‌یابی حاکمان
		رهیافت مردم پیش شرط انجام کار
		مشارکت مردم در سرنوشت خود
		نقش مردم در مقدراتشان
		استفاده از خرد جمعی و مشارکت عمومی
	امید به زندگی	طول عمر و زندگی خوش توأم با شادمانی مطلوب
	کسب علم و دانش	دانش (کاربردی) در جایگاه شایسته
		تأکید اسلام بر آموزش (کاربردی)
		مهارت‌های کاربردی سواد
		علم سرچشمه خوبی‌ها
		علم مایه حیات اسلام و ستون دین
		کسب درجه بالا برای اهل دانش
		جهل، منشأ بدی‌ها
		علم وسیله نجات انسان‌ها
		ارزش اهل دانش
	بینش عقلانی	پیشرفت در پرتو عقل
		اشاره آیات به انواع تفکر
		کوتاهی همت، بهره‌وری پایین، و سستی اندیشه، سه مانع پیشرفت
		ضعف تفکر و سستی اندیشه از موانع پیشرفت
		حزم به معنای دوراندیشی و تصمیم‌گیری درست در ادبیات اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small>
		تدبیر به معنای دوراندیشی و حسابگری در کارها
		بینش صحیح عقلانی، بنیادی‌ترین عنصر پیشرفت در آیات و سیره
		تدبیر از ارکان اصلی پیشرفت
		تعقل و تفکر در امور
		پرهیز از تقلید کورکورانه
		هدف از پیشرفت مبارزه با جهل و بی‌سوادی
فقدان عقل، برابر با فقدان دین		
تدبیر به معنای نظر افکندن در عاقبت کارها		

مضمون اصلی	کدهای متمرکز سطح دوم	کدهای متمرکز سطح اول
	طول عمر	عمر طولانی همراه با تندرستی مطلوب
		طول عمر، نمره دوری از بدی
		طول عمر با خوش نیت بودن
		عمر طولانی، مطلوب دین
		عمر طولانی همراه با کار نیک، مطلوب
		عمر طولانی با کردار بد، نامطلوب
		خشنودی خداوند از عمر طولانی با کردار خوب

بینش اسلامی بر تعقل و تفکر در امور، و پرهیز از تقلید کورکورانه تأکید دارد و پیشرفت و توسعه را در پرتو عقل امکان‌پذیر می‌داند.^۱ واژه «تدبیر» به معنای نظر افکندن در عاقبت کارها، دوراندیشی و حسابگری در کارها، از واژه‌های متداولی است که در ادبیات پیشوایان دینی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی پیشرفت آمده است. آیات قرآن و عملکرد پیامبر اسلام حاکی از آن است که بینش صحیح عقلانی، بنیادی‌ترین عنصر در رسیدن به قله پیشرفت است. همچنین قرآن به انواع دیگری از تفکر اشاره می‌کند: تفکر وقت‌شناس (مؤمنون: ۳)، تفکر اولویت‌شناس (کهف: ۱۰۳-۱۰۴)، تفکر آینده‌نگر (حشر: ۲) و تفکر نقاد و انتقادپذیر (بقره: ۳۰-۳۸). واژه «حزم» نیز از دیگر واژه‌هایی است که در ادبیات اهل بیت علیهم‌السلام به معنای دوراندیشی و پیش‌بینی به‌جا و تصمیم‌گیری درست آمده است. در مقابل، ضعف تفکر و سستی اندیشه، یکی از سه مانع رسیدن به پیشرفت شمرده شده است^۲ (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶، ج ۱۵، ص ۴۸).

«کسب علم و دانش» از سه معیار اصلی شاخص توسعه انسانی است که در اسلام نیز بر آن بسیار تأکید شده است.^۳ در شاخص مکمل (HPI) که در واقع شاخص فقر انسانی برای کشورهای منتخب

۱. «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (اسراء: ۳۶): «از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن؛ چراکه گوش و چشم و دل، همه مسئول‌اند». علی علیه‌السلام: بالعقل تمال الخیرات (محمد تمیمی آمدی، غررالحکم، ح ۴۰۹)؛ «پیشرفت‌ها در پرتو عقل است» علی علیه‌السلام: لایستعان علی الدهر الا بالعقل؛ جز به یاری عقل، نمی‌توان بر مشکلات روزگار، چیره شد» (مجلسی، بحارالانوار، ۷۸/۷/۵۹). لادین لمن لاعقل له (کلینی، ۱۳۷۲، کتاب عقل و جهل، ص ۱۷-۱۹)؛ «کسی که عقل ندارد، دین نیز ندارد».

۲. امام صادق علیه‌السلام: ثلاث یحجزن المرء عن طلب العمالی: قصر الهمة و قلة الحلیه و ضعف الرأی؛ «سه چیز است که آدمی را از دستیابی به پیشرفت و تعالی بازمی‌دارد: کوتاهی همت، بهره‌وری پایین، و سستی اندیشه و تعقل» (ابن شعبه، تحف‌العقول، ص ۳۱۸).
 ۳. «هل یستوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون» (زمر: ۹)؛ «آیا دانایان و اهل دانش با آنان که جاهل‌اند، برابرند؟». «یرفع الله الذین آمنوا منکم و الذین اوتوا العلم درجات و الله بما تعملون خبیر» (مجادله: ۱۱)؛ «خدا پایگاه کسانی از شما را که ایمان آوردند و به دانش دست یافتند، چندین درجه بالا می‌برد و خدا از آنچه می‌کنید، آگاه است». النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: العلم رأس الخیر کله و الجهل رأس الشر کله (میزان‌الحکمه، ج ۶، ص ۴۵۱)؛ «علم سرچشمه تمام خوبی‌ها، و جهل منشأ همه بدی‌هاست». النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: العلم حیاة الاسلام و عماد الدین (همان، ص ۴۵۲)؛ «علم مایه حیات اسلام و ستون دین است».



OECD می‌باشد، در بحث معیار دانش، صحبت از مهارت‌های کاربردی سواد است؛ یعنی برای کشورهای پیشرفته علاوه بر کسب دانش، امروزه استفاده از این دانش در عمل و بهره‌مندی از علوم کاربردی، حایز اهمیت است (اکبری و افخمی، بی‌تا، ص ۶). اسلام مشوق افراد برای علم‌آموزی است و نه تنها با علم‌آموزی و کسب دانش و افزایش آگاهی افراد مخالف نیست، این امور را واجب می‌داند و مسلمین را با انواع محرک‌ها به سمت کسب دانش بیشتر تشویق و ترغیب می‌کند. همچنین تأکید بر عمل کردن به دانش، تکیه اسلام بر علوم کاربردی و مهارتی را آشکار می‌سازد که در شاخص‌های پیشرفته‌تر توسعه انسانی مد نظر قرار می‌گیرند.^۱ استفاده از خرد جمعی و مشارکت عمومی مردم، از شاخص‌های توسعه و پیشرفت از منظر اسلامی است.^۲ در اسلام رهیافت مردم پیش شرط انجام کار شمرده شده^۳ و بر نقش آفرینی مردم در مقدراتشان تأکید شده است.^۴

۴. کدهای مربوط به مضمون رشد درون‌زا مستخرج از منابع دینی در جدول ذیل عبارت‌اند از:

مضمون اصلی	کدهای متمرکز سطح اول	کدهای متمرکز سطح دوم
رشد درون‌زا	رسیدن به استقلال	استقلال و خودکفایی
	تحصیل عزت ملی و اقتدار ملی و بین‌المللی	
	حداکثر کردن سود	
	حداقل کردن ضررها	
	آماده بودن در برابر دشمن	آماده در برابر دشمن
	آماده مقابله با دشمنان	
	نفی سلطه بیگانگان و اجانب	نفی سلطه دشمن
	عدم سیطره در تمام شئون	
	نفی سلطه بیگانگان	
	نفی سلطه بیگانگان و اجانب	

۱. پیامبر ﷺ و بالتعلیم أرسلت (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۰۶)؛ «من برای آموزش مردم برانگیخته شدم».
۲. «وَ أَمَرُهُمْ سُورَى بَيْنَهُمْ» (شورا: ۳۸)؛ «و کارهایشان به صورت مشورت در میان آنهاست».
۳. امام علی علیه السلام: حوض الناس فی الشیء مقدمة الكائن (محمد تمیمی آمدی، غررالحکم، ح ۱۱۰۴۲)؛ «رهیافت مردم در چیزی پیش شرط ایجاد آن است». لا تصلح الولاية الا باستقامة الرعية (نهج البلاغه، خ ۲۰۷، ص ۶۸۳)؛ «هیچ نظامی بدون وفاداری و پایداری مردم نمی‌تواند روند سازندگی و سامان‌یابی را پیش گیرد». لیس من احد الا و هو محتاج الی الناس (حکیمی، الحیاء، ح ۲۵۴/۱)؛ «هیچ کس نیست که نیازمند به دیگران نباشد و بتواند بر همه خواسته‌های خویش فائق آید».
۴. «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَهُ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بَأْنُسِهِمْ» (رعد: ۱۱)؛ «خداوند سرنوشت هیچ قوم [و ملتی] را تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند».



یکی از شاخص‌های دینی توسعه، نفی سلطه بیگانگان و اجانب است. بنا بر مفاد منابع اسلامی، کفار نباید بر فرد و جامعه اسلامی سیطره یابند.^۱ این مسئله تمام شئون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی، علمی و... را در بر می‌گیرد. همچنین قرآن به امت اسلامی توصیه می‌کند که همواره برای مقابله با دشمنان آماده باشند^۲ (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶، ج ۱۵، ص ۳۷).

در استقلال و خودکفایی، از اصل حداقل کردن ضررها می‌توان نام برد. این اصل در قواعد فقهی با عناوین مختلفی همچون «اصلاح‌المال بافساد بعضه لسلامة باقیه»، «اخف الضررین» و «اهون الثرین» شناخته می‌شود و در اقتصاد و مدیریت و امور نظامی، به سیاست «حداقل کردن ضررها» معروف است. این اصل بر اصل حداکثر کردن سود نیز تطبیق‌پذیر است (همان، ج ۸، ص ۲۱).

۵. در مضمون توسعه پایدار، کدهای مستخرج از منابع دینی در جدول ذیل عبارت‌اند از:

مضامین اصلی	کدهای متمرکز سطح دوم	کدهای متمرکز سطح اول
توسعه پایدار	دسترسی به منابع	علم انسان، اساسی‌ترین پایه پیشرفت در تمدن مادی
		اشاره قرآن به علوم مختلف
		دسترسی به منابع و بهره‌مند شدن انسان از ثروت‌ها
	توجه به نسل آینده	اندیشیدن به آینده و نسل آتی در توسعه
		اندیشیدن به آینده و نسل آتی در توسعه
	آبادانی زمین	آبادانی زمین و زندگی مستمر، خواست خداوند از انسان
وظیفه انسان در جهت آبادانی زمین		

توسعه پایدار از دیگر مضامین توسعه و پیشرفت است که از منابع اسلامی، استخراج شده است. از منظر اسلام توسعه‌ای مطلوب است که محدود به زمان حال نباشد، بلکه به زمان و نسل آینده نیز بیندیشد. به عبارت دیگر، توسعه پایدار و بین‌نسلی نیز مد نظر قرار گیرد. روایاتی دال بر این است که باید برای آینده و نسل آتی نیز برنامه‌ریزی کنیم.^۳ این نوع اندیشه در مفهوم توسعه پایدار نهفته است (همان، ج ۱۵، ص ۳۸).

قرآن کریم یکی از وظایف انسان را تلاش در جهت آبادانی زمین معرفی می‌کند.^۴ مقصود این است که خداوند از انسان می‌خواهد با نیروی فکر و امکاناتی که در اختیار دارد، زمین را آباد و احیا کند تا زندگی استمرار یابد؛ ثروت‌هایی را که در دل زمین به ودیعت گذارده شده، بیرون آورد و از آن بهره‌مند

۱. «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱)؛ «و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است».

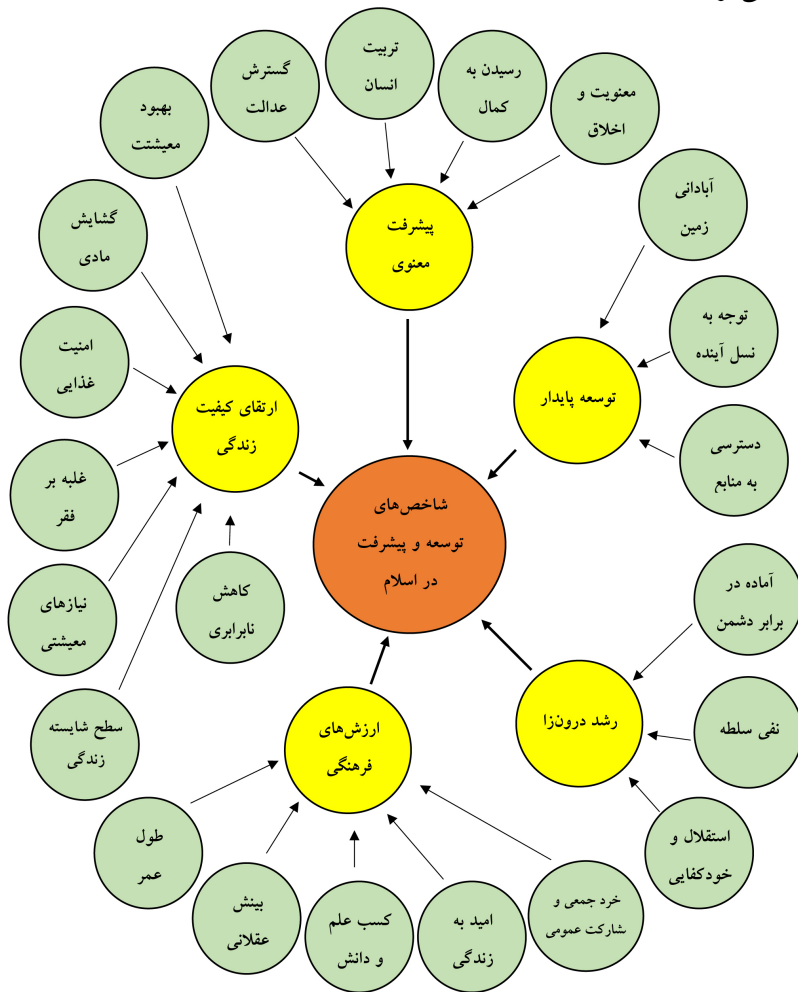
۲. «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال: ۶۰).

۳. «اعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا» (ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۵۶).

۴. «هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود: ۶۱).



شود. اطلاق این آیه، همه علوم، فنون، صنایع، فناوری، و... را در بر می‌گیرد. همچنین قرآن به اصولی از دانش‌های هیئت نجوم (انعام: ۹۷، نحل: ۱۶)، هندسه و ریاضی (یونس: ۵، اسراء: ۱۲، مرسلات: ۳۰)، پزشکی و تغذیه (نحل: ۶۹)، جهان‌شناسی (عنکبوت: ۲۰، فصلت: ۵۳)، زیست‌شناسی (غاشیة: ۱۷)، زمین‌شناسی (غاشیة: ۱۹ و ۲۰)، و نیز به فنون فرهنگی، نظامی، صنعتی (سفالگری، شیشه‌گری و رنگریزی)، کشتیرانی، تجاری، زراعی، سدسازی و.. اشاره کرده است. این بدان معناست که علم، هم در گذشته و هم امروز، اساسی‌ترین پایه پیشرفت در تمدن مادی بوده است و پیشرفت‌های حاصل‌شده در این بعد، مرهون علم انسان‌هاست (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶، ج ۱۵، ص ۳۴). در پایان با استفاده از تکنیک تحلیل مضمون، مدل نهایی شاخص‌های توسعه و پیشرفت از منظر اسلام ارائه می‌گردد.



۶. جمع بندی

در این نوشتار ابتدا معنای لغوی پیشرفت و توسعه با استفاده از کتب لغت بیان گردید. دو واژه پیشرفت و توسعه، تفاوت لغوی با یکدیگر ندارند و دارای معنای لغوی یکسانی هستند. سپس مفهوم اصطلاحی توسعه و پیشرفت بررسی شد. در تجربه تاریخی کشورها شاهد تحولات تاریخی مفهوم توسعه و پیشرفت هستیم. در این نوشتار ضمن بیان تحولات و تجربیات تاریخی این مفهوم، به معانی متصور توسعه و پیشرفت اشاره شد. این مقدمات، راهنمایی برای ارائه مفهوم توسعه و پیشرفت بر اساس بینش اسلامی گردید. بر این اساس با مراجعه و مذاقه در منابع دینی، شاخص‌ها، معیارها و اهدافی برای توسعه و پیشرفت از منظر اسلامی بیان کردیم. این شاخص‌ها و معیارها در پاسخ به این سؤال مطرح شد که هدف از توسعه و پیشرفت از منظر اسلام چیست؟ با استفاده از روش تحلیل مضمون و با مراجعه به منابع دینی، ۱۲۰ کد در قالب شبکه مضامین به دست آمد. این شبکه مضامین به پنج مضمون عمده و اصلی تقلیل یافت: پیشرفت معنوی، ارتقای کیفیت زندگی، توسعه پایدار، ارزش‌های فرهنگی و رشد درون‌زا. این معیارها و الگوها به عنوان راهبردهایی برای سیاست‌گذاری در فرایند توسعه به کار می‌آید. از این‌رو چنین معیارهایی می‌تواند تمایز مفهوم توسعه و پیشرفت را از منظر اسلامی با مفهوم غربی آن، بیان کند. با این تفسیر، مفهوم پیشرفت با الگوهای مذکور به عنوان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت معرفی می‌گردد.



منابع

قرآن کریم.

- نهج البلاغه، شرح الشیخ محمد عبده، ج ۱، قم، دارالذخائر.
۱. ابن شعبه، حسن بن علی، ۱۳۹۲، *تحف العقول*، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
 ۲. اخترشهر، علی، ۱۳۸۶، *اسلام و توسعه*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 ۳. ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا، ۱۳۸۳، *جامعه‌شناسی توسعه*، ج ۷، تهران، انتشارات کیهان.
 ۴. اکبری، نعمت‌الله و افخمی ستوده، وحید، بی‌تا، *بررسی سازگاری و نقش آموزه‌های اسلامی با شاخص‌های نوین توسعه اقتصادی*، بی‌جا.
 ۵. الحر العاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البت للاحیاء التراث.
 ۶. المجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
 ۷. امامی، کریم، ۱۳۸۵، *فرهنگ معاصر کیمیا، فارسی-انگلیسی*، تهران، فرهنگ معاصر.
 ۸. انواری، حسن و دیگران، ۱۳۸۳، *فرهنگ روز سخن*، تهران، انتشارات سخن.
 ۹. آریان‌پور کاشانی، منوچهر، ۱۳۷۹، *فرهنگ گسترده پیشرو آریان‌پور، انگلیسی-فارسی*، تهران، نشر جهان رایانه.
 ۱۰. توسلی، غلامعباس، ۱۳۷۳، «جامعیت مفهوم توسعه و رابطه آن با فرهنگ»، *مجله فرهنگ توسعه*، شماره ۱۵، ص ۲۴-۳۳.
 ۱۱. جلالی، تهمورس، ۱۳۵۴، *فرهنگ پایه*، تهران، انتشارات ابن سینا.
 ۱۲. حسابی، محمود، بی‌تا، *فرهنگ حسابی*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 ۱۳. حکیمی، محمد، ۱۳۹۱، *الحیة*، ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات دلیل ما.
 ۱۴. خلیلیان، محمدجمال، ۱۳۸۴، *شاخص‌های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
 ۱۵. داعی‌الاسلام، سیدمحمدعلی، ۱۳۶۲، *فرهنگ نظام فارسی به فارسی با ریشه‌شناسی و تلفظ واژه‌ها به خط اوستایی*، ج ۲، چ ۲، تهران، انتشارات شرکت دانش.
 ۱۶. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، *لغت‌نامه*، ج ۴، ۵، چ ۲، تهران، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
 ۱۷. رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۸۶، *قرآن و علم*، ج ۸، چ ۱۵، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
 ۱۸. _____، ۱۳۹۲، *منطق تفسیر قرآن (۵) (قرآن و علوم طبیعی و انسانی)*، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم.
 ۱۹. سعادت، عوضعلی، ۱۳۸۹، *نقش اسلام در توسعه فرهنگی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
 ۲۰. سن، آمارتیا، ۱۳۸۵، *توسعه یعنی آزادی*، ترجمه محمدسعید نوری نائینی، تهران، نشر نی.
 ۲۱. عمید، حسن، ۱۳۷۹، *فرهنگ عمید*، ج ۱، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
 ۲۲. عنبری، موسی، ۱۳۹۷، *جامعه‌شناسی توسعه از اقتصاد تا فرهنگ*، چ ۵، تهران، سمت.



۲۳. غفرانی، محمد و آیت‌الله‌زاده شیرازی، مرتضی، ۱۳۸۵، *فرهنگ اصطلاحات روز فارسی- عربی*، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۲۴. کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۷۲، *اصول کافی*، قم، انتشارات اسوه.
۲۵. مایر، جرالده ام. و سیرز، دادلی، ۱۳۸۴، *پیشگامان توسعه*، ترجمه سیدعلی اصغر هدایتی و علی یاسری، چ ۴، تهران، سمت.
۲۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد محمد، ۱۳۶۶، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۷. معین، محمد، ۱۳۸۱، *فرهنگ معین*، تهران، آدنا: کتاب راه نو.
۲۸. ندروین پیترز، جان، ۱۳۹۷، *نظریه توسعه، فرهنگ، اقتصاد، جامعه*، ترجمه انور محمدی، تهران، نشر گل آذین.
۲۹. نراقی، یوسف، ۱۳۸۰، *جامعه‌شناسی و توسعه*، تهران، نشر و پژوهش فرزانه روز.
۳۰. نفیسی، علی اکبر، ۱۳۵۵، *فرهنگ نفیسی*، ج ۱ و ۲، چاپ افست مروی.
۳۱. یاگونبر، گری؛ مک فارلند، رابرت؛ آسوکان، ان، ۱۳۸۷، «نظریه جامع توسعه اجتماعی»، ترجمه مسعود آریایی‌نیا، در: *توسعه اجتماعی، تألیف جمعی از مترجمان*، تهران، پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
32. Darity Jr., William A. (2008), *International Encyclopedia of the Social Sciences*, Volume 2, 2nd edition, Macmilan Referense USA.
33. Barnett, Tony (2005), *Sociology and Development*, TUTCHINSON, London Melbourne Sydney Auckland Johannesburg.
34. Hooks, Gregory (2016), *The Sociology of Development Handbook*, University of California Press, Oakland, California.
35. Braun, Virginia & Clarke, Victoria (2006), "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research in Psychology*, Vol. 3, No. 2, Pp.77-101.
36. A review of the concept and indicators of development and progress with an Islamic perspective.